



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

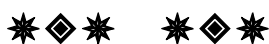
 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

" متن و ترجمه " درس ۷ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ۖ هُوَ : ٦١
او شما را از زمین پدیدآورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.



الدَّرْسُ السَّابِعُ : درس هفتم ص ۷۲

صِنَاعَةُ النَّفْطِ: صنعت نفت

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟ چگونه نفت را به دست می آوریم؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ. انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند.

و هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا ، لِأَنَّ الْحَفْرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصَّخُورِ.

و گاهی این استخراج وقت بسیاری می گیرد ؛ زیرا حفر در طبقات صخره هاست.

فِي إِيرَانَ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ : در ایران ثروت های بسیاری درون زمین وجود دارد.

بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَ الْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ.

کشور ما سرشار از نفت و گاز است و بخشی از آنها را به کشورهای صنعتی صادر می کند.

عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ .

انسان نفت را از دیرباز شناخته است و آن را از سطح زمین جمع می کرد.

وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ.

و به عنوان سوخت و برای درمان بیماری های پوستی از آن استفاده می کرد.

يَحْفَرُ الْعُمَالُ بُئْرًا وَ يَضَعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا .

کارگران چاهی را حفر می کنند و در آن لوله ای قرار می دهند (می گذارند).

فَيَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ ، وَ يُفْتَحُ وَ يَغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِحَنْفِيَّاتٍ.

نفت به وسیله لوله بالا می رود .لوله با کلیدهایی باز و بسته می شود.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَقْفَةً مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ .

انتقال نفت از راه لوله ها کم خطرتر و کم هزینه تر از انتقال آن از راه نفت کش هاست .

وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَخْدَمُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبُوبُ سَالِمَةً. و برای آسان

سازی انتقال نفت به وسیله لوله ها از سرازیری ها دستگاه های کاهش فشار استفاده می شود تا لوله ها سالم بمانند.

لِإِيرَانَ تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ .

ایران تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از راه لوله ها دارد.

و هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدِّ خُطُوطِ الْأَنْبَابِ وَ صَيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتَاكِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاكِ.

و از بزرگ ترین کشورهای صادر کننده نفت و موفق ترین آنها در کشیدن خطوط لوله (ها) و نگهداری آنها از مکان های تولید تا مکان های مصرف است.

عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبَابِ تَوْجَدُ أَعْمَدَةُ اتِّصَالَاتِ كَمَحَطَاتِ إِنْذَارٍ.

در امتداد لوله ها دکل های مخابراتی به عنوان ایستگاه های هشدار وجود دارند.

وَ لَوْحَاتٌ تَحْذِيرِيَّةٌ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ تُحَذِّرُ الْمَوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرْعَةِ .

و تابلوهای هشدار به رنگ زرد هم میهنان را از کندن زمین برای ساخت ساختمان یا کشاورزی بر حذر می دارد.

وَ يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَتَهُ هَذِهِ الْأَنْبَابِ وَ الْإِتِّصَالَ بِالشَّرَكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطَرِ . وَ بِرِ هَرِ هَمِ مِيهَنِي وَاجِبِ اسْتِ که از این لوله ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت [خطوط لوله و مخابرات شرکت نفت] تماس بگیرد.

نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُسْتَنْقَاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزَّيْتِ .

از نفت فراورده های بسیاری مانند بنزین و روغن ها به دست می آوریم.

وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرٌ فِي الصَّنَاعَةِ ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ وَ مَبِيدَاتُ الْحَشَرَاتِ ، وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمَاوِيَّ وَ غَيْرَهَا . وَ نَفْتٌ دَرِ صَنْعَتِ اسْتِفَادَةُ دِيْغَرِي دَارِدُ ، اَزِ آنِ پِلَاسْتِيْكِ ، عَطَرُ ، دَارُو ، حَشْرَه كَشُ ، مَوَادُّ آرایشی ، خمیر دندان ، کود شیمیایی و غیره ساخته می شود.

كَيْفَ يَنْقُلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟ نَفْتٌ چگونه و به کجا انتقال داده می شود؟

يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى الْمَصَافِي عِبْرَ الْأَنْبَابِ.

نفت از چاه ها یا بندرها به پالایشگاه ها از راه لوله ها منتقل می شود.

ثُمَّ تَنْقُلُ النَّاَقِلَاتُ مُسْتَنْقَاتِ النَّفْطِ مِنَ الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَاتِ الْوُقُودِ فِي الْبِلَادِ.

سپس نفت کش ها مشتقات نفت را از پالایشگاه ها به ایستگاه های سوخت در کشور انتقال می دهند.

" الْمُعْجَم " ص ۷۴

آبار : چاه ها « مفرد : بئر »	تَحْذِيرِيَّةٌ : هشدار آمیز	مَطَاطٌ : پلاستیک ، کائوچو
اتِّصَالَاتٌ : مخابرات	حَصَلَ عَلَى : به دست آورد	مَنْحَدَرٌ : سرازیری
اسْتَعْمَرَ : خواستار آباد کردن شد	سَمَادٌ : کود	مَوَادُّ التَّجْمِيلِ : مواد آرایشی
اسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا : وقتی طولانی گرفت	صَدَّرَ : صادر کرد	مَوَانِي : بندرها « مفرد : میناء »
استهلاك : مصرف	صَخُورٌ : صخره ها	نَاَقِلَاتُ النَّفْطِ : نفتکش ها

ولی در جمله « در گشوده شد. » فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ : شست عَسَلَ : شسته شد خَلَقَ : آفرید خَلَقَ : آفریده شد)

(يَغْسِلُ : می شوید يَغْسِلُ : شسته می شود يَخْلُقُ : می آفریند يَخْلُقُ : آفریده می شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت های آن تغییر می کند.

كَتَبَ : نوشت	كَتَبَ : نوشته شد	يَكْتُبُ : می نویسد	يَكْتُبُ : نوشته می شود
ضَرَبَ : زد	ضَرَبَ : زده شد	يَضْرِبُ : می زند	يَضْرِبُ : زده می شود
عَرَفَ : شناساند	عَرَفَ : شناسانده شد	يَعْرِفُ : می شناساند	يَعْرِفُ : شناسانده می شود
أَنْزَلَ : فرو فرستاد	أَنْزَلَ : فرو فرستاده شد	يَنْزِلُ : فرو می فرستد	يَنْزِلُ : فرو فرستاده می شود
اسْتَخْدَمَ : به کار گرفت	اسْتَخْدَمَ : به کار گرفته شد	يَسْتَخْدِمُ : به کار می گیرد	يَسْتَخْدِمُ : به کار گرفته می شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال های بالا بیابید.

بعد از فعل مجهول « نایب فاعل » می آید . نایب فاعل مانند فاعل مرفوع است؛ مثال:

توجه : نایب فاعل همانند فاعل فقط به صورت یک اسم ظاهر در کتاب تدریس شده است.

﴿ ... سَتَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيُسْأَلُونَ أَلْزَخْرَفَ : ۱۹ ... گواهی آنها نوشته خواهد شد و [از آن] پرسیده خواهند شد. »

نایب فاعل و مرفوع

﴿ يَعْرِفُ الْمَجْرِمُونَ بِسِيَاهُمْ أَلْزَخْرَفَ : ۵۵ تبهکاران از چهره شان شناخته می شوند. »

نایب فاعل و مرفوع به واو

يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطَّلَابِ. در سالن امتحان برای دانش آموزان گشوده می شود.

نایب فاعل و مرفوع



" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ " ص ۷۷



﴿ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : اُكْمَلْ تَرْجَمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ. اُكْمَلْ : کامل کن

۱- ﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾ أَلْبَقَرَةَ : ۱۸۵

ترجمه : ماه رمضان که در آن قرآن نازل شد.

پاسخ : شَهْرُ : مبتدا مرفوع / الْقُرْآنُ : نائب فاعل مرفوع

۲- ﴿ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ﴾ الْأَعْرَافَ : ۲۰۴ اَسْتَمِعُوا : گوش فرا دهید

ترجمه : و هنگامی که قرآن خوانده شود به آن گوش فرا دارید .

پاسخ : الْقُرْآنُ : نائب فاعل مرفوع

۳- تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا.

ترجمه : چیزها با کمک متضاد هایشان شناخته می شوند .

پاسخ : الْأَشْيَاءُ : نائب فاعل مرفوع

۴- أَعْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

ترجمه : راننده در اتوبوس مدرسه را بست .

پاسخ : السَّائِقُ : فاعل مرفوع / بَابَ : مفعول منصوب / الْمَدْرَسَةِ : مضاف الیه مجرور .

۵- طَبَخَتْ وَالِدَةُ سَعِيدٍ طَعَامًا لَذِيذًا.

ترجمه : مادر سعید خوراک خوشمزه ای را پخت .

پاسخ : وَالِدَةُ : فاعل مرفوع / سَعِيدٍ : مضاف الیه مجرور / طَعَامًا : مفعول منصوب .

" حواری " ص ۷۸

(مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

با مسئول پذیرش هتل

السَّائِحُ : جهانگرد	مَسْئُولُ الاسْتِقْبَالِ : مسئول پذیرش
رَجَاءُ ، أُعْطِنِي مِفْتَاحَ غُرْفَتِي : لطفاً کلید اتاقم را به من بده .	مَا هُوَ رَقْمُ غُرْفَتِكَ ؟ شماره اتاق چقدر است ؟
مِئَتَانِ وَ عَشْرُونَ : دویست و بیست .	تَفَضَّلْ : بفرما
عَفْوًا ، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ غُرْفَتِي : ببخشید این کلید اتاق من نیست .	أَعْتَذِرُ مِنْكَ ؛ أُعْطِيتُكَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِينَ : از شما پوزش می خواهم .
لَا بَأْسَ ، يَا حَبِيبِي : دوست من مشکلی نیست .	مِنَ السَّادَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي . از شش صبح تا دو بعد از ظهر . سپس دوستم پس از من می آید .
مَتَى مَوَاعِدُ الْفُطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ ؟ وقت های صبحانه و ناهار و شام کی هست ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا ؛ صَبْحَانَهُ از هفت و نیم تا هشت و چهل و پنج دقیقه (یک ربع به نه) الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبْعِ ؛ نَاهَارُ از دوازده تا دو و ربع . الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا . شام از هفت تا هشت و چهل و پنج دقیقه (یک ربع به نه)
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ ؟ و خوراکی صبحانه چیست ؟	شَاي وَ خُبْزٌ وَ جَبْنَةٌ وَ زُبْدَةٌ وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبِي الْمَشْمِشِ . چای و نان و پنیر و کره و شیر و مربای زردآلو .
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ ؟ و غذای ناهار چیست ؟	رَزٌّ مَعَ دَجَاجٍ : پلو با مرغ .
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ ؟ و غذای شام چیست ؟	رَزٌّ مَعَ مَرَقٍ بَازَنْجَانٍ : پلو با خورشید بادمجان .
أَشْكُرُكَ : سپاسگزارم .	لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ : تشکر لازم نیست (وظیفه بود) .



مُسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ : مسئول پذیرش أُعْطِنِي : به من بده دَوَامٌ : ساعت کار مَوَاعِدُ : وقت ها
جَبَنَةٌ : پنیر زُبْدَةٌ : گره دَجَاجٌ : مرغ مَرَقٌ : خورشت



" التمارين ۱ " ص ۷۹



۱- التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ ؟
۱- مَكَانٌ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ تُشَاهِدُ السَّفْنَ إِلَى جَنْبِهِ. سَفْنٌ : کشتی ها
ترجمه : مکانی بر ساحل دریا که کشتی ها کنارش دیده می شوند.

پاسخ : میناء : بندر

۲- حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ مِنْهَا.

ترجمه : گودالی عمیق که آب یا نفت از آن استخراج می شود .

پاسخ : بئر : چاه

۳- مَادَّةٌ كَالْبَنْزِينِ وَ النَّفْطِ وَ الْغَازِ.

ترجمه : ماده ای مانند بنزین و نفت و گاز .

پاسخ : وَقُودٌ : سوخت

۴- الْإِسْتِعْمَالُ وَ الْإِسْتِفَادَةُ.

ترجمه : به کار بردن و استفاده کردن .

پاسخ : اسْتِهْلَاكٌ : مصرف

۵- الْحِفَاطُ عَلَى الْأَشْيَاءِ.

ترجمه : نگهداری اشیاء .

پاسخ : صِيَانَةٌ : نگهداری ، تعمیر



" التمارين ۲ " ص ۷۸



الَّتَمَرَيْنِ الثَّانِي : ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ . « ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ »
 اسْتِهْلَاكِ / سَمَادٍ / سَائِلٍ / تَنْقُلُ / تَسْتَغْرِقُ / سَفُنٌ / الْمَحَطَّةُ

۱- وَقَفَتِ الْحَافِلَةُ فِي حَتَّى يَذْهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوَارِ الْمِيَاهِ.

ترجمه : اتوبوس در ایستگاه توقف کرد تا مسافران به سرویس های بهداشتی بروند .

پاسخ : الْمَحَطَّةُ : ایستگاه

۲- كَمْ سَاعَةً السَّفَرُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟

ترجمه : سفر از مکه به مدینه منوره چند ساعت وقت می گیرد ؟

پاسخ : تَسْتَغْرِقُ : وقت می گیرد

۳- السَّيَّارَةُ أَخْشَابًا مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.

ترجمه : اتومبیل چوب هایی را از جنگل به کارخانه کاغذ منتقل می کند .

پاسخ : تَنْقُلُ : منتقل می کند

۴- صُنِعَ جِهَازٌ لِتَقْلِيلِ الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسِبِ.

ترجمه : دستگاهی برای کاهش مصرف برق در رایانه ساخته شد .

پاسخ : اسْتِهْلَاكِ : مصرف

۵- اَلنَّفْطُ اُسُودُ تُصْنَعُ اَشْيَاءُ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.

ترجمه : نفت مایعی سیاه است که چیزهای زیادی از آن ساخته می شود .

پاسخ : سَائِلٌ : مایع

" التمارين ۳ " ص ۸۰

الَّتَمَرَيْنِ الثَّالِثُ : ضَعْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِبًا.

(۱) اَللَّوْحَاتُ التَّحْذِيرِيَّةُ اَلْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْاَرْضِ . ☐ يُحَدِّرُ ☒ تَحَدَّرُ

ترجمه : تابلوهای هشدار آمیز به هموطنان از کندن زمین هشدار می دهد .

(۲) صَدِيقِي صُورَةً خَلَابَةً عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ . ☐ يَرْسُمُ ☒ يَرَسُمُ

ترجمه : دوستم عکس جذابی روی دیوار مدرسه می کشد .

(۳) صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ ، فَخَافَ الْجَمِيعُ . سَمِعَ ☐ سَمِعَ ☒

ترجمه : صدایی قوی از دور شنیده شد ، پس همه ترسیدند .

(۴) النَّفْطُ عَبْرَ النَّاقِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي. يَنْقُلُ ☐ ☒ يَنْقُلُ ☐

ترجمه : نفت از طریق (به وسیله) نفت کش ها به پالایشگاه ها منتقل می شود .

(۵) الطَّبَاخُ طَعَامًا طَيِّبًا فِي الْمَطْعَمِ. ☒ يَطْبُخُ ☐ يُطْبَخُ ☐

ترجمه : آشپز غذای خوبی در آشپزخانه (رستوران) می پزد .

(۶) حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزْدَ. ☒ تُصْنَعُ ☐ يَصْنَعُ ☐

ترجمه : شیرینی جات خوشمزه ای در شهر یزد درست می شود .

" التمارين ۴ " ص ۸۰

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعَ : اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

آبار : بئر (چاه) مَوَانِي : مِينَاء (بندر)

صُخُور : صَخْرَة (سنگ) سَفُن : سَفِينَة (کشتی)

مَصَافِي : مَصْفَى (پالایشگاه) مَوَاد : مَادَّة (ماده)

أَدْوِيَّة : دَوَاء (دارو) دَوْل : دَوْلَة (کشور)

خُطُوط : خَط (خط) أَنْبَاب : أَنْبُوب (لوله)

مَوَاعِد : مَوْعِد (وقت) بُلْدَان : بَلَد (کشور)

" التمارين ۵ " ص ۸۱

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسَ : عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

۱- وَقُود : سوخت ☐ غَاز : گاز ☐ نَفْط : نفت ☐ ☒ حَرْب : جنگ ☐

دلیل : سه گزینه دیگر دلالت بر سوخت و مواد سوختی دارند .

۲- نَاقِلَة : نفتکش ☒ ثَامِنَة : هشتم ☐ طَائِرَة : هواپیما ☐ حَافِلَة : اتوبوس ☐

دلیل : سه گزینه دیگر بر یک نوع وسیله نقلیه دلالت می کنند.

۳- ✓ سَمَاد : کود ☐ مَحَطَّة : ایستگاه ☐ سَاحَة : میدان ☐ مَطَار : فرودگاه ☐

دلیل : سه گزینه دیگر بر جا و مکان دلالت دارند.

۴- زُبْدَة : کره ☐ جُبَّة : پنیر ☐ ✓ تَقَاعُد : بازنشستگی ☐ حَلِيب : شیر ☐

دلیل : سه گزینه دیگر بر محصولات لبنی دلالت می کنند .

۵- دَجَاجَة : مرغ ☐ حَمَامَة : کبوتر ☐ بَوْمَة : جغد ☐ ✓ نَفَقَة : هزینه ☐

دلیل : سه گزینه دیگر بر طیور دلالت می کنند .

۶- أَحْمَر : قرمز ☐ ✓ أَحْسَن : نیکوتر ☐ أَرْق : آبی ☐ أَصْفَر : زرد ☐

دلیل : سه گزینه دیگر دلالت بر رنگ دارند .



" أَلْبَحَثُ الْعِلْمِيَّ " ص ۸۲



اُكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ شِعْرًا أَوْ كَلَامًا جَمِيلًا مُرْتَبِطًا بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ. (لِلإِشَارَةِ إِلَى النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ)

ترجمه : آیه یا حدیث یا شعر یا سخنی زیبا مرتبط با مفهوم درس را (اشاره به نعمت های الهی) بنویس .

